

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران / سال نهم، شماره ۲۵، بهار و تابستان ۹۷-۲۳

زمینه‌های طرح مهاجرت خانوادگی از سوی زنان مهاجر ساکن استان تهران

سراج‌الدین محمودیانی^۱

حسین محمودیان^۲

چکیده

در جریان مهاجرت‌های داخلی در ایران، زنان حضور قابل توجهی دارند. اما با وجود این، در مطالعات تجربی کمتر بشمار آمده‌اند. مطالعه حاضر به دنبال بررسی سهم زنان در طرح مهاجرت در خانواده است. برای این منظور تعداد ۵۰۰ نفر زن مهاجر دارای همسر در مناطق ۴ و ۵ شهر تهران و نیز شهر ملارد با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌ها نشان داد که زنان از قدرت نسبتاً بالایی در خانواده برخوردارند و در بسیاری از موارد اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت خانوادگی به استان تهران هستند. برخلاف ادعای مرسوم یعنی تبعی بودن مهاجرت زنان، نتایج این مطالعه گویای آن است که زنان خود از زمینه سازان مهاجرت بوده و با توجه به روند رو به بهبود موقعیت زنان در جامعه، حتی انتظار می‌رود سهم آنها در زمینه سازی مهاجرت خانواده افزایش یابد. مهاجرت به استان تهران و سکونت در

۱ استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)،
serajmahmoudiani@gmail.com

۲ دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه آموزشی جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، hmahmoud@ut.ac.ir

تهران بی‌تردید پیامدهایی برای زنان و حتی کلیت خانواده آنها به‌دنبال خواهد داشت و ساختار کنونی خانواده‌ها پس از مهاجرت به چالش کشیده خواهد شد. **واژگان کلیدی:** زنان، قدرت در خانواده، مهاجرت خانوادگی، مطرح‌کننده مهاجرت، استان تهران.

مقدمه و بیان مسأله

امروزه به‌طور وسیعی اهمیت مهاجرت در تسهیل توسعه انسانی و شکل‌دهی الگوهای سکونتی روشن شده است و یک ادبیات درحال رشدی در مقایسه با جنبه‌های مختلف تحرک به‌وجود آمده است (بل^۱ و همکاران، ۲۰۱۴). از دیدگاه جمعیت‌شناسی، فرآیند مهاجرت امری پیچیده است که نه‌تنها حجم و رشد جمعیت یک جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد بلکه تغییرات قابل ملاحظه‌ای در ساخت سنی-جنسی جمعیت نیز ایجاد می‌کند (رولند^۲، ۲۰۰۳: ۱۰۱). مهاجرت‌های بین‌استانی و تبیین الگو و تحولات آن به‌نوعی تغییرات ساختار اقتصادی جوامع را به‌تصویر خواهد کشید. زیرا این مهاجرت‌ها و الگوهای آن با توسعه و رشد اقتصادی در ارتباط است. مهاجرت همچنین یک شتاب‌دهنده^۳ قدرتمند در بحث تغییرات اجتماعی به‌شمار می‌آید (پارادو^۴ و همکاران، ۲۰۰۵). مهاجرت برای برنامه‌ریزان دولتی و سیاست‌گذاران نیز مهم است چون که جابجایی‌های انبوه^۵ مهاجران، اغلب باعث تغییرات مهم در قدرت سیاسی و بخت‌های اقتصادی مبدأ و مقصد مهاجرتی می‌شود (داوانزو^۶، ۱۹۸۱: ۹۰).

قرن بیستم شروع نقطه عطفی در مهاجرت زنان در مسافت‌های به مراتب طولانی‌تر به‌شمار می‌آید (شارپ^۷، ۲۰۰۱: ۱). در سال‌های اخیر براساس آمار سازمان ملل حضور زنان در عرصه مهاجرت بین‌المللی در برخی مناطق دنیا مانند اروپا، امریکای لاتین و حوزه کارائیب، امریکای شمالی، اقیانوسیه و اتحاد جماهیر شوروی بیشتر شده است (مک‌دوئل^۸، ۲۰۱۳: ۹). به‌علاوه، در

1 Bell

2 Rowland

3 Catalyst

4 Parrado

5 Aggregate Movements

6 DaVanzo

7 Sharpe

8. McDowell

برخی منابع (فیلدز^۱ ۱۹۸۲) مشخص شده است که تمایل و گرایش به مهاجرت در بین زنان با هر سطح تحصیلی، بالاتر از همتایان مردشان بود.

امروزه حضور زنان در جریان مهاجرت‌های داخلی نیز روند صعودی را تجربه نموده است. میلیون‌ها زن در کشورهای مختلف، دست به مهاجرت داخلی می‌زنند (سودارکاسا^۲، ۱۹۷۷). بررسی سهم جنسیت و زنان در پژوهش‌های مهاجرت نشان از مغفول ماندن این حوزه در مطالعات جمعیت‌شناسی دارد. کیوران^۳ و همکارانش (۲۰۰۶) در یک مطالعه به فراتحلیل مطالعات انجام شده در حوزه مهاجرت در چهار مجله آمریکایی پرداختند. آن‌ها نشان داده‌اند که کمترین توجه به بحث جنسیت در مجله جمعیت‌شناسی بوده است.

آمارها بیانگر آن است که زنان بخش قابل توجهی از مهاجرت داخلی در ایران خصوصاً از دهه ۱۳۴۰ به بعد را تشکیل می‌دهند (ولایتی^۴، ۲۰۰۳: ۱) با این حال نقش زنان در فرآیند تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی نادیده گرفته شده و فرض می‌شود که مردان تصمیم‌گیرنده مهاجرت بوده و زنان دنباله‌رو مردان‌اند (پدرازا^۵، ۱۹۹۱). مطالعات پیشین (راغفر و قاسمی-اردهایی، ۱۳۸۸) نشان داده‌اند که در دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ بیش از ۸۰ درصد زنان به دلیل پیروی از خانوار اقدام به مهاجرت نموده‌اند.

بنابراین با توجه به اهمیت عام مهاجرت در معادلات جمعیتی و لزوم توجه به زنان و نقش آنان در مهاجرت به‌طور خاص و نیز نقصان داده‌های حاصل از سرشماری‌ها در خصوص توجه به نقش زنان در جریان مهاجرت، مطالعه حاضر به دنبال پوشش خلأ مورد اشاره است. سرانجام پرسش‌هایی که مطالعه حاضر در پی پاسخ‌بدان‌ها است را می‌توان به قرار ذیل خلاصه نمود: ۱. آیا زنان در جریان مهاجرت خانوادگی به تهران به‌عنوان مطرح‌کنندگان مهاجرت نقش آفرینی دارند یا خیر؟ سهم زنان در مقایسه با سایر اعضای خانواده، همسر و فرزندان، در طرح مهاجرت خانوادگی چگونه است؟ ۳. ساختار خانواده و مشخصاً جایگاه زنان در توزیع قدرت در خانواده چگونه بوده و چه تأثیری بر فرآیند مهاجرت برجای می‌گذارد؟

1 Fields
2 Sudarkasa
3 Curran
4 Velayati
5 Pedraza

مرور نظریه‌ها و شواهد تجربی

احتمالاً قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نظریه در حوزه مهاجرت‌های داخلی و بین‌المللی، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک یا نظریه تعادل^۱ است. این نظریه ابتدا توسط رانیز و فای^۲ (۱۹۶۱) و سپس تودارو^۳ (۱۹۶۹) مطرح و بسط داده شد. رویکرد اقتصاد نئوکلاسیک قابل تقسیم به دو مدل کلان و خرد است. مدل خرد مبتنی بر انتخاب‌های فردی است که در آن کنشگر خردگرای فردی برحسب محاسبات هزینه-فایده تصمیم به مهاجرت می‌گیرد (مسی و همکاران، ۱۹۹۳). ساستاد^۴ و تودارو از جمله صاحب‌نظران این حوزه به‌شمار می‌آیند. ساستاد بر سرمایه انسانی^۵ تأکید دارد (ساستاد، ۱۹۶۲). تودارو (۱۹۶۹ و ۱۹۷۱) و هریس^۶ و تودارو (۱۹۷۰) با معرفی احتمال پیدا کردن شغل در بخش شهری و در بطن اقتصاد کشورهای جهان سوم، مدل سرمایه انسانی را گسترش دادند. فرض اصلی الگوی تودارو این است که هر مهاجر بالقوه، بر مبنای هدف به حداکثر رساندن "درآمد انتظاری" تصمیم می‌گیرد به شهر برود یا خیر؟. وی بیان می‌کند که مهاجرت اساساً بر پایه محاسبه اقتصادی و عقلایی فرد مهاجر استوار است (مک‌کاتی^۷، ۲۰۰۴). نظریه مهاجرتی نئوکلاسیک‌ها بیشتر بر تفاوت دستمزدها و احتمال کاریابی معطوف است و به بسیاری از عواملی که در جذب یا دفع مهاجر مؤثرند توجه ندارد. پذیرش همین کاستی راه را برای طرح نظریه اقتصاد جدید مهاجرت باز نمود (زنجانی، ۱۳۸۰). بینش کلیدی این رویکرد جدید این است که تصمیمات مهاجرتی توسط کنشگر فردی و در انزوا گرفته نمی‌شود بلکه از طریق خانواده یا خانوار گرفته می‌شود (مسی و همکاران، ۱۹۹۳). دیدگاه مذکور، رفتار مهاجرتی کنشگران را به سطح خانوار توسعه داده و فرض می‌کند که درآمد خانوار در ارتباط با درآمد فردی افزایش می‌یابد (استارک، ۱۹۹۱).

یکی از بینش‌هایی که در چارچوب نظریات اقتصاد جدید مهاجرت می‌گنجد رویکرد استراتژی خانوار^۸ است. فرضیه استراتژی دسترسی^۹ نیز در همین چارچوب و توسط یوتینگ^۹

1 The Equilibrium Theory

2 Ranis and Fei

3 Todaro

4 Massey

5 Sjaastad

6 Human Capital

7 Harris

8 McCatty

9 Household Strategies Approach

(۲۰۱۱) مطرح شد و بر این باور است که دسترسی در کشورهای در حال توسعه پدیده‌ای جنسیتی می‌باشد که تمام زیر مجموعه‌های دسترسی را در بر می‌گیرد. در مواقعی که زنان در مبدأ مهاجرتی با محدودیت‌هایی روبرو باشند، یکی از راه‌کارهایی که برای بهبود موقعیت و وضعیت اجتماعی خود در اختیار دارند، مهاجرت است.

نظریه محرومیت نسبی نیز ادراکی از این موضوع است که افرادی فاقد منابع مطلوب بوده و در مقابل دیگرانی نیز همان منابع را دارا هستند. محرومیت نسبی این حس را القا می‌کند که افراد قابلیت مقایسه شدن با یکدیگر را دارند و لذا ثروت خود را با دیگری ارزیابی خواهند کرد (کیوران و ساگوی^۳، ۲۰۰۱).

در نظریه دیگری با عنوان نظریه انتظار ارزش، نقش‌های جنسیتی جایگاه ویژه‌ای در تبیین رفتار مهاجرت دارد. کنشگر محل اقامت خود را در میان مجموعه‌ای از مکان‌های جایگزین که سودمندی را به حداکثر می‌رساند، انتخاب می‌کند (باچانان^۴، ۱۹۸۴). درحالی‌که زنانه شدن مهاجرت در دوران معاصر سرعت چشمگیری یافته است، اما مفهوم‌سازی این تحولات با همان سرعت پیش نرفته است (کافمن^۵ و همکاران، ۲۰۰۰: ۲۱)، به‌علاوه، ادبیات مهاجرت و جنسیت در ابتدا فاقد تجهیزات لازم برای توضیح این موضوع بوده است که چگونه مردانی که در فرآیند مهاجرت به زنان وابسته‌اند - یا به‌عبارتی در این موضوع با زنان مشترک‌اند - از عهده این امر بر می‌آیند و این امر چگونه به‌نوبه خود بر روابط جنسیتی تأثیر می‌گذارد (جورج، ۲۰۰۵: ۲۲).

توجه به جنسیت و مهاجرت، به‌طورکلی، در طی سه دهه اتفاق افتاد. از موج دوم فمینیسم این موضوع مورد توجه فمینیست‌های فعال در رشته علوم اجتماعی قرار گرفت. مرحله اول به دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰ برمی‌گردد و هدف اصلی آن برجسته نمودن عدم توجه به زنان در پژوهش‌های مهاجرت بود. مرحله دوم پژوهش‌های فمینیست‌ها درباره مهاجرت به دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ برمی‌گردد که فمینیست‌ها به‌جای مقوله زنان بر جنسیت تأکید نمودند (بنوای، ۲۰۰۶: ۱۵-۱۶).

1 Access Strategy Hypothesis

2 Uteng

3 Curran and Saguy

4 Buchanan

5 Kofman

از مطالعات انجام شده در این حوزه می‌توان به بررسی پیتین^۱ (۱۹۸۴) در میان گروهی از اقوام در کشور نیجریه اشاره نمود. در این مطالعه نشان داده شد که دسترسی به قدرت بعدی مهم در تصمیم‌گیری مهاجرت است. یافته‌های مطالعه نوبلز و مک‌کلوی^۲ (۲۰۱۵) در مکزیک نشان داد که خانواده‌های مکزیک از نظر قدرت زنان در تصمیم‌گیری و کنترل منابع خانواده متفاوت بوده و این عامل پیش‌بینی‌کننده مهمی در مهاجرت خانواده است. لیو^۳ (۲۰۱۱) در یک تحقیق درباره تجربه مهاجرت زنان متأهل نشان داده است که مشارکت زنان در امر مهاجرت از عواملی مانند تحصیلات فرزندان و ساخت خانواده متأثر می‌باشد.

هیلر و مک‌کیگ^۴ (۲۰۰۷) در یک بررسی نشان دادند که وجود ارتباط با مقصد در فرآیند مهاجرت بسیار مهم است. کوته^۵ و همکاران (۲۰۱۵) در یک مطالعه دریافتند در کشورهایی که برابری جنسیتی و شمار خانواده‌های زن-رهبر در آن‌ها بالاتر است، وابسته بودن به زن و پیروی از آنان برای مهاجرت مهمتر می‌گردد. اُرتیز^۶ (۱۹۹۶) در تحقیقی درباره مهاجران زن پورتوریکو نتیجه می‌گیرد که مهاجرت برای زنان یک گزینه اقتصادی خوب برای استقلال بیشتر و همچنین یک استراتژی برای برخورد با ایدئولوژی‌های سنتی و مردسالارانه می‌باشد. باچانان^۷ (۱۹۸۴) در یک مطالعه که از رویکردی فرهنگی به بررسی مهاجران هائیتی پرداخته، دریافت که زنان فقط تابع یا پیرو مردان نیستند بلکه دارای انگیزه‌های خاص خود می‌باشند و قصد بهبود وضعیت اجتماعی-اقتصادی خود و خانواده را دارند.

نتایج بررسی لای^۸ (۲۰۰۱) در تایوان بر این موضوع دلالت دارد که موقعیت زنان دارای همسر در سلسله مراتب ساختار قدرت در خانواده از موانع مشارکت زنان دارای همسر در فرآیند مهاجرت بوده است. در مطالعه‌ای (جاکا^۹، ۲۰۰۶: ۱۶۷) که در بین کانون زنان مهاجر در شهر پکن چین در سال ۲۰۰۰ انجام شده بود، مشخص گردید که اکثریت زنان عضو کانون

1 Pittin

2 Nobles

3 Liu

4 Hiller and McCaig

5 Cote

6 Ortiz

7 Buchanan

8 Li

9 Jacka

مهاجران یعنی حدود ۸۹ درصد آنان، خودشان نقش مهمی در تصمیم‌گیری مهاجرت داشته‌اند. مطالعه کانا-ایویونی^۱ (۱۹۹۵) در بین زنان مکزیکی نشان داد که کنترل تصمیمات اصلی درباره تحصیل فرزندان و امور مالی خانوار با فرآیند تصمیم‌گیری مهاجرت و نقش زوجین در آن تصمیم‌گیری، مرتبط می‌باشد.

از بین معدود مطالعاتی که در ایران و دریاب نقش زنان در فرآیند تصمیم‌گیری مهاجرت انجام شده است، می‌توان به مطالعه اسماعیلی (۱۳۸۸) اشاره نمود که نشان داده است نیمی از زنان نمونه مورد بررسی در تصمیم‌گیری مهاجرت در کنار همسر خود نقشی مشارکتی داشته‌اند. به‌علاوه وی نتیجه گرفت که یک‌چهارم زنان در جریان مهاجرت خانوادگی نقش فعال و یک-چهارم دیگر نقش تابع و پیرو را در جریان مهاجرت به شهر همدان داشته‌اند. عصار^۲ (۱۹۹۳) در مطالعه خود که به بررسی نقش زنان و پیوندهای خویشاوندی در جریان مهاجرت خانوادگی در ایران پرداخته بود دریافت که تحصیلات زنان اثر مثبت و معناداری بر احتمال تصمیم به مهاجرت خانوادگی دارد. شاغل بودن اثر منفی و معناداری بر احتمال مهاجرت خانوادگی دارد.

روش و داده‌های تحقیق

در پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده شده است. جمعیت مورد بررسی، تمام زنان مهاجر دارای همسری است که از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ وارد استان تهران شده‌اند. در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ تعداد ۱۱۱۶۰۶ زن مهاجر دارای همسر از سایر استان‌های کشور وارد استان تهران شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با عنایت به این‌که مهاجران از تنوع بالایی برخوردارند تعداد ۵۰۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد. دو شهرستان تهران و ملارد که بیشترین تعداد مهاجر را جذب نموده‌اند به‌عنوان قلمرو مکانی مطالعه حاضر انتخاب شد. بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰ از مجموع ۵۶۶۶۶ نفر زن مهاجر وارد شده به شهرستان تهران تعداد ۵۴۳۳۵ نفر آن‌ها وارد شهر تهران شده‌اند. همچنین از مجموع ۱۰۴۴۲ نفر زن مهاجر دارای همسر وارد شده به شهرستان ملارد تعداد ۸۷۱۳ نفر در شهر ملارد ساکن شده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). با توجه

1 Kanaiaupuni

2 Assar

به مطلب مذکور شهرهای تهران و ملارد برای انجام پیمایش انتخاب شدند. به‌علاوه، براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ از تعداد ۵۴۳۳۵ نفر زن مهاجر وارد شده به شهر تهران تعداد ۵۶۰۳ و ۵۴۹۸ نفر از آن‌ها به ترتیب در مناطق ۴ و ۵ شهر تهران ساکن بوده و به همین دلیل مناطق فوق‌الذکر به‌عنوان مناطق مورد بررسی در شهر تهران انتخاب شدند (پورتال شهرداری منطقه ۵، ۱۳۹۵). براساس آمار سرشماری ۱۳۹۰ دو منطقه مذکور بالاترین تعداد زن مهاجر را در خود جای داده بودند. ناحیه ۳ از منطقه ۵ بیشترین تعداد زن مهاجر را در خود جای داده (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و به همین دلیل ۸ محله این ناحیه به‌عنوان خوشه بعدی برای گردآوری داده‌ها انتخاب شد. سرانجام از میان محلات ۸ گانه، محله المهدی به‌طور تصادفی انتخاب شد. منطقه ۴ از ۹ ناحیه و ۲۰ محله تشکیل شده است. به‌شکل تصادفی، محله تهران‌پارس شرقی به‌عنوان خوشه بعدی انتخاب شد.

با توجه به نسبت جمعیت زنان مهاجر وارد شده به دو شهر تهران و ملارد، از مجموع ۵۰۰ نفر نمونه مورد بررسی تعداد ۱۵۰ نفر از شهر ملارد و ۳۵۰ نفر از شهر تهران پیمایش شدند. از آنجایی‌که مناطق ۴ و ۵ شهر تهران تعداد نسبتاً برابری زن مهاجر به خود اختصاص داده بودند لذا تعداد نمونه از هر منطقه به‌طور مساوی انتخاب شد. در شهر ملارد نیز بلوک‌هایی به‌طور تصادفی انتخاب و مشابه نمونه‌گیری در شهر تهران، سرانجام با انتخاب تصادفی چندین بلوک و مراجعه به آدرس آن بلوک‌ها، داده‌های مورد نیاز جمع‌آوری شد. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. اعتبار ابزار اندازه‌گیری از طریق روش اعتبار محتوایی و آزمون پایایی ابزار اندازه‌گیری از طریق روش آلفای کرونباخ بررسی و تأیید شد. برای این منظور از طریق اجرای پیش‌آزمون و تکمیل تعداد ۳۰ پرسشنامه به بررسی پایایی پرداخته شد که نتایج نشان داد شاخص‌های رضایت زنان از مبدأ مهاجرت و قدرت زنان در خانواده از پایایی لازم برخوردارند طوری که آلفای کرونباخ برای شاخص‌های فوق‌الذکر به ترتیب برابر با ۰,۸۶ و ۰,۹۳ بدست آمد. که برای عملیاتی نمودن متغیر دارایی و تملک شخصی از پنج گویه (تملک خانه، اتومبیل، ویلا، مغازه و زمین) استفاده شده است که در مطالعات پیشین (نایی و گلشنی، ۱۳۹۲) مورد تأیید قرار گرفته‌اند. برای عملیاتی نمودن رضایت زنان از مبدأ مهاجرت از تعداد ۷ سؤال بهره برده شد. نحوه

سنجش قدرت زنان در خانواده نیز با استفاده از تعداد ۱۰ گویه مورد سنجش قرار گرفته است. عمده مطالعات پیشین برای عملیاتی نمودن متغیر قدرت زنان در خانواده از حوزه‌های ۸ گانه (شامل خرید اتومبیل، خرید وسایل خانگی، نوع خانه مسکونی، اشتغال زن در خارج از خانه، نوع شغل شوهر، میزان پول هفتگی برای خرید مواد غذایی، انتخاب پزشک معالج و چگونگی و محل گذراندن اوقات فراغت) بهره برده‌اند (همان). همچنین براساس مطالعات پیشین (همان) حوزه‌هایی دیگر مانند نوع لباس پوشیدن و آرایش کردن و تصمیمات مربوط به ارتباط اجتماعی مانند معاشرت با دوستان و بستگان به حوزه‌های هشت گانه فوق اضافه شد.

یافته‌ها

همان‌طوری که از اطلاعات جدول ۱ بر می‌آید سن پاسخگویان تحقیق حاضر یعنی زنان مهاجر دارای همسر در هنگام مهاجرت بین ۱۶ تا ۵۵ سال بوده است. میانگین سن پاسخگویان نیز برابر ۳۰ سال به دست آمد. حدود ۵۴ درصد زنان در سنین کمتر از ۳۰ سال مهاجرت نموده‌اند و فقط ۷ درصد بالای ۴۵ سال سن داشته‌اند. این موضوع به جریان مهاجرت زنان جوان اشاره دارد. فاصله سنی زن با شوهر از هم‌سن تا ۱۵ سال مرد بزرگتر در نوسان است. میانگین فاصله سنی زوجین در تحقیق حاضر برابر با ۵,۶ سال به دست آمد. در بین پاسخگویان این تحقیق هیچ زنی از همسر خود بزرگتر نبوده و بیشترین اختلاف سنی بین ۴ تا ۶ سال بوده است که حدود ۳۸ درصد پاسخگویان چنین وضعیتی را دارا هستند. حدود ۵ درصد زنان پاسخگو با همسران خود هم‌سن و ۱۲ درصد نیز اختلاف سنی ۱۰ ساله و بیشتر با شوهر خود دارند.

جدول ۱. توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای جمعیتی

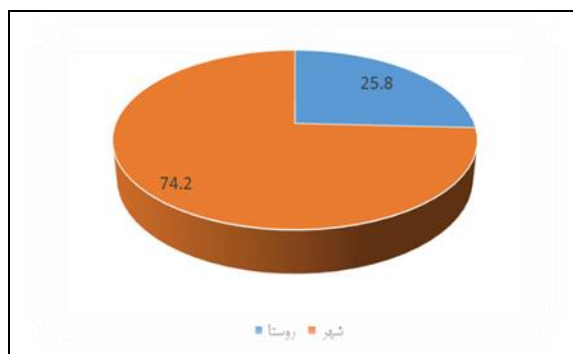
طبقات	فراوانی	درصد
زیر ۳۰ سال	۲۷۲	۵۴,۴
۳۰ تا ۴۵ سال	۱۹۲	۳۸,۴
۴۵ تا ۵۵ سال	۳۶	۷,۲
کل	۵۰۰	۱۰۰
کمینه: ۱۶ سال	بیشینه: ۵۵ سال	میانگین: ۳۰ سال

ادامه جدول ۱. توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای جمعیتی

درصد	فراوانی	طبقات	
۴,۸	۲۴	۰ (هم سن)	فاصله سنی با همسر
۲۲,۲	۱۱۱	۱ تا ۳ سال مرد بزرگتر	
۳۸,۴	۱۹۲	۴ تا ۶ سال مرد بزرگتر	
۲۲,۶	۱۱۳	۷ تا ۹ سال مرد بزرگتر	
۱۲,۰	۶۰	۱۰ سال و بیشتر مرد بزرگتر	
۱۰۰	۵۰۰	کل	
کمینه: ۰ (هم سن) بیشینه: ۱۵ سال مرد بزرگتر میانگین: ۵,۶ سال			
درصد	فراوانی	طبقات	
۳۲,۲	۱۶۱	کمتر از ۱ سال	مدت ازدواج
۲۷,۸	۱۳۹	۱ تا ۵ سال	
۱۳,۰	۶۵	۶ تا ۱۰ سال	
۹,۸	۴۹	۱۱ تا ۱۵ سال	
۷,۰	۳۵	۱۶ تا ۲۰ سال	
۱۰,۲	۵۱	بیشتر از ۲۰ سال	
۱۰۰	۵۰۰	کل	
کمینه: کمتر از یکسال بیشینه: ۳۵ سال میانگین: ۷,۳ سال			
درصد	فراوانی	طبقات	
۲۱,۸	۱۰۹	بی‌فرزند	تعداد فرزندان
۳۷,۲	۱۸۶	۱	
۲۴,۲	۱۲۱	۲	
۶,۲	۳۱	۳	
۶,۴	۳۲	۴	
۳,۶	۱۸	۵	
۰,۶	۳	۶	
۱۰۰	۵۰۰	کل	
کمینه: بی‌فرزند بیشینه: ۶ فرزند میانگین: ۱,۵۱			

مدت ازدواج پاسخگویان در هنگام مهاجرت از کمتر از ۱ سال تا ۳۵ سال در نوسان بوده است. این موضوع به فراگیری مهاجرت در بین تمامی زوجها با هر مدت زمان ازدواج اشاره دارد. به طوری که بیش از ۱۰ درصد مهاجران زنانی بوده‌اند که بیش از ۲۰ سال از ازدواج آنها سپری شده است. میانگین مدت ازدواج نمونه مورد بررسی حدود ۷ سال است که بیانگر مهاجرت در سال‌های اولیه ازدواج می‌باشد. یافته‌های مربوط به تعداد فرزندان زنان مهاجر نشان می‌دهد که متوسط تعداد فرزند هر زن مهاجر برابر با ۱,۵۱ فرزند می‌باشد. تعداد فرزندان از بی‌فرزند تا ۶ فرزند در نوسان بوده است به طوری که حدود ۲۲ درصد نمونه مورد بررسی صاحب فرزند نبوده‌اند و ۱ فرزند و ۲ فرزند الگوی غالب فرزندآوری زنان مهاجر وارد شده به استان تهران در دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ بوده است.

شکل ۱ گویای آن است که حدود ۲۶ درصد زنان مهاجر یعنی ۱۲۹ نفر از نمونه مورد بررسی از روستا و در مقابل حدود ۷۴ درصد نمونه (۳۷۱ نفر) از شهری خارج از استان تهران به این استان مهاجرت نموده‌اند. به عبارتی شکل مذکور از آن حکایت دارد که حدود ۲۶ درصد زنان مهاجر که در فاصله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ وارد استان تهران شده‌اند قبلاً روستانشین و ۷۴ درصد نیز شهرنشین بوده‌اند.



شکل ۱. توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب مبدأ مهاجرت

پراکندگی زنان مهاجر برحسب استان مبدأ مهاجرت نشان داد که نمونه مورد بررسی عمدتاً از نواحی شمال، شمال‌غربی و غرب کشور به تهران و ملارد مهاجرت نموده‌اند. بعد از استان‌های آذربایجان شرقی، کرمانشاه، لرستان و همدان که بیش از ۱۰ درصد نمونه را شامل

شده‌اند، استان‌های آذربایجان غربی، ایلام، کردستان، اردبیل، گیلان و مرکزی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها از آن حکایت دارد که بیش از ۸۲ درصد از زنان مهاجر در هنگام مهاجرت فاقد درآمد بوده و درآمد سایر زنان شاغل در هنگام مهاجرت از ۲۰۰ هزار تومان تا ۵ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان در نوسان بوده است. ارقام متناظر آن برای مردان بین ۴۰۰ هزار تا ۷ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است. میانگین درآمد زنان و مردان مهاجر در هنگام مهاجرت به ترتیب برابر با ۱ میلیون و ۵۰۰ و ۱ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان می‌باشد.

میزان بی‌سوادی زنان پیمایش شده حدود ۹ درصد و حدود ۴۱ درصد نمونه مورد بررسی دارای مدرک دانشگاهی بوده‌اند. مالکیت زنان بر دارایی‌های خانواده در هنگام مهاجرت درصدهای نسبتاً پایینی را به خود اختصاص داده، با این حال، بالاترین نسبت مالکیت زنان در بین دارایی‌ها، تملک خانه مسکونی بوده است که حدود ۱۱ درصد نمونه مالک خانه مسکونی بوده‌اند. پس از خانه مسکونی، به ترتیب اتومبیل، زمین، مغازه و ویلا هر کدام با نسبت‌های ۱۰، ۸ و ۲ درصد قرار می‌گیرند. حدود ۷۷ درصد زنان فاقد دارایی و ۱۷ درصد آن‌ها تنها بر یک نوع دارایی مالکیت داشته‌اند. مالکیت‌های چندگانه زنان بر دارایی‌ها نیز ارقام پایینی را به خود اختصاص داده‌اند. میانگین مدت سال‌های اقامت در استان تهران نیز حدود ۷ سال می‌باشد.

شبکه مهاجرتی مفهومی گسترده و پیچیده‌ای است که در مطالعه حاضر داشتن یا نداشتن زمینه ارتباطی با مقصد قبل از مهاجرت به‌عنوان شاخصی از شبکه مهاجرتی در نظر گرفته شد. منظور از ارتباط با استان تهران این است که آیا پاسخگوی مورد نظر قبل از مهاجرت به استان تهران، خویشاوند، دوست یا بستگانی ساکن این استان داشته است که با آن‌ها در ارتباط بوده باشد یا خیر. یافته‌های مربوط به این مفهوم در جدول ۲ گزارش شده است. نتایج نشان می‌دهد که حدود ۶۶ درصد از نمونه مورد تحقیق از چنین ارتباطاتی برخوردار بوده‌اند و در مقابل حدود ۳۴ درصد چنین ارتباطاتی را تجربه نکرده‌اند.

جدول ۲. توزیع پاسخگویان برحسب زمینه ارتباطی با مقصد قبل از مهاجرت خانوادگی

درصد	فراوانی	متغیر	
		داشتن	وجود خویشاوندان یا دوستان در تهران و ارتباط با آن‌ها قبل از مهاجرت
۶۶٫۲	۳۳۱	داشتن	وجود خویشاوندان یا دوستان در تهران و ارتباط با آن‌ها قبل از مهاجرت
۳۳٫۸	۱۶۹	نداشتن	
۱۰۰٫۰	۵۰۰	کل	

اطلاعات جدول ۳ از آن حکایت دارد که ۱۵ درصد پاسخگویان علت مهاجرت خود و خانواده خود را تحصیل یا اشتغال فرزندان معرفی نموده‌اند. به عبارتی ۱۵ درصد مهاجرت‌های خانوادگی از نوع فرزند محور بوده است. حدود ۲۱ درصد زنان مهاجر دارای همسر به‌منظور تحصیل یا اشتغال خود دست به مهاجرت خانوادگی زده‌اند. به‌علاوه حدود ۶۴ درصد مهاجرت‌های صورت گرفته به استان تهران در دوره مورد بررسی برای اهداف شوهر یعنی کار، انتقال شغلی یا کار بهتر شوهر انجام شده است. هر چند مهاجرت‌های شوهرمحور در صدر نوع مهاجرت‌های خانوادگی قرار دارد اما با وجود این، ۲۱ درصد مهاجرت‌های خانوادگی به‌منظور تحقق اهداف زنان و در راستای خواسته آن‌ها -یعنی مهاجرت‌های زن‌محور- بوده که رقم قابل تأملی است.

جدول ۳. توزیع پاسخگویان برحسب نوع و علت مهاجرت خانوادگی

درصد	فراوانی	نوع مهاجرت	
		علت مهاجرت	
۱۵,۰	۷۵	فرزند محور	تحصیل یا اشتغال فرزند
۲۱,۲	۱۰۶	زن محور	تحصیل یا اشتغال زن
۲۷,۴	۱۳۷	شوهر محور	کار یا انتقال شغلی شوهر
۳۶,۴	۱۸۲		کار بهتر شوهر
۱۰۰,۰	۵۰۰	کل	

اطلاعات و یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که حدود ۳۸ درصد مهاجرت‌های خانوادگی به استان تهران برای اولین بار توسط زنان در خانواده مطرح شده است که رقم متناظر آن برای مردان (شوهران) حدود ۵۱ درصد می‌باشد. فرزندان به‌عنوان نخستین شخص مطرح‌کننده مهاجرت رقمی ۱۱ درصدی را به خود اختصاص داده‌اند. تحلیل‌ها همچنین نشان می‌دهد که ۱۹ درصد مهاجرت‌های خانوادگی با تصمیم‌گیری نهایی زنان صورت گرفته است و در حدود ۳۱ درصد مهاجرت‌ها، زنان هیچ مشارکتی در تصمیم‌گیری نداشته‌اند.

جدول ۴. توزیع پاسخگویان برحسب جایگاه آن‌ها در فرآیند تصمیم‌گیری مهاجرت

درصد	فراوانی		
۳۷,۸	۱۸۹	زن	اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت
۵۱,۴	۲۵۷	شوهر	
۱۰,۸	۵۴	فرزند/فرزندان	
۱۹,۰	۹۵	زن	تصمیم‌گیرنده نهایی مهاجرت
۵۰,۲	۲۵۱	با مشارکت زن	
۳۰,۸	۱۵۴	بدون مشارکت زن	
۱۰۰	۵۰۰	کل	

براساس یافته‌های جدول ۵ بیش از ۶۵ درصد زنانی که دارای مدرک دانشگاهی بوده‌اند، خود اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده‌اند. درحالی‌که این رقم برای زنان با مدرک متوسطه-دیپلم و زنان با مدرک راهنمایی و پایین‌تر به حدود ۳۲ و ۲ درصد کاهش یافته است. یافته فوق بیانگر آن است که با افزایش سطح تحصیلی زنان، نقش آنان در طرح مهاجرت خانوادگی بیشتر می‌شود. با افزایش سطح تحصیلی زنان، سهم شوهر به‌عنوان اولین مطرح‌کننده مهاجرت کاهش می‌یابد به‌طوری‌که از حدود ۷۱ به ۳۱ درصد رسیده است. با افزایش سطح تحصیلی شوهر، سهم زنان به‌عنوان اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت افزایش یافته است. حدود ۱۱ درصد زنانی که شوهران‌شان دارای مدرک تحصیلی راهنمایی و پایین‌تر بوده‌اند، خود اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده‌اند. این رقم برای زنانی که شوهران‌شان دارای مدرک تحصیلی متوسطه-دیپلم یا دانشگاهی بوده‌اند بترتیب حدود ۳۳ و ۵۱ درصد است. به همین منوال با افزایش سطح تحصیلی شوهر، سهم شوهر به‌عنوان اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده کاهش می‌یابد. نکته قابل تأمل دیگر آن است که با افزایش سطوح تحصیلی زنان و شوهران‌شان، سهم فرزندان به‌عنوان اولین طراح موضوع مهاجرت در خانواده کاهش می‌یابد. درآمد زنان با سهم زنان به‌عنوان اولین طراح مهاجرت خانوادگی رابطه‌ای مشخص و معناداری ندارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با افزایش درآمد شوهر تا سطحی مشخص، سهم مهاجرت‌هایی

که توسط زنان مطرح شده افزایش می‌یابد اما از سطحی به بعد، دیگر سهم زنان به‌عنوان اولین مطرح‌کننده بحث مهاجرت در خانواده کاهش داشته است.

بیش از ۷۰ درصد زنان شاغل، اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده بوده‌اند که این رقم برای زنان بیکار حدود ۳۱ درصد است که به اهمیت وضعیت اشتغال زنان در جریان نقش-آفرینی آنان در تصمیم‌گیری مهاجرت اشاره دارد. زنان متعلق به خانواده‌هایی که شوهرانشان بیکار بوده‌اند به هیچ وجه برای اولین بار مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده نبوده‌اند و تمامی مهاجرت‌ها برای اولین بار با پیشنهاد شوهر صورت گرفته است. حدود ۴۳ درصد زنانی که دارای شوهر شاغل بوده‌اند، اولین شخص مطرح‌کننده و پیشنهاد دهنده مهاجرت بوده‌اند. با افزایش سطح رضایت زنان از مبدأ سهم آنان در طرح اولیه مهاجرت کاهش داشته است. تنها حدود ۵ درصد از زنانی که رضایت بالایی از مبدأ خود داشته‌اند برای اولین بار بحث مهاجرت را در خانواده مطرح نموده‌اند، این رقم برای زنانی که رضایت پایینی از مبدأ مهاجرتی خود داشته‌اند بیش از ۵۲ درصد به‌دست آمد.

جدول ۵. توزیع پاسخگویان برحسب مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده به تفکیک متغیرهای مورد بررسی

مقدار χ^2	تعداد	فرد مطرح‌کننده مهاجرت			متغیر - سطوح متغیر	
		فرزند	شوهر	زن		
۱۶۰٫۹۷*	۵۰۰	۲۷٫۱	۷۰٫۷	۲٫۳	راهنمایی و کمتر	
		۷٫۳	۶۰٫۴	۳۲٫۳	متوسطه و دیپلم	
		۳٫۰	۳۱٫۵	۶۵٫۵	دانشگاهی	
۷۹٫۹۷*	۵۰۰	۲۷٫۵	۶۱٫۵	۱۱٫۰	راهنمایی و کمتر	
		۱۱٫۵	۵۵٫۴	۳۳٫۱	متوسطه و دیپلم	
		۳٫۴	۴۵٫۲	۵۱٫۳	دانشگاهی	
۹٫۶۱ ^{ns}	۸۸	۷٫۵	۳۲٫۵	۶۰٫۰	کمتر از ۱ میلیون	
		۰٫۰	۲۶٫۱	۷۳٫۹	۱ تا یک و نیم میلیون	
		۰٫۰	۰٫۰	۱۰۰٫۰	یک و ۶۰۰ تا ۲ میلیون	
		۰٫۰	۳۰٫۸	۶۹٫۲	بیشتر از ۲ میلیون	

ادامه جدول ۵. توزیع پاسخگویان بر حسب مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده به تفکیک متغیرهای مورد بررسی

مقدار χ ²	تعداد	فرد مطرح‌کننده مهاجرت			متغیر - سطوح متغیر	
		فرزند	شوهر	زن		
۳۵۶,۳*	۴۴۰	۱۳,۰	۶۶,۱	۲۰,۹	کمتر از ۱ میلیون	
		۱۵,۸	۳۸,۶	۴۵,۶	۱ تا یک و نیم میلیون	
		۱۷,۱	۲۲,۹	۶۰,۰	یک و ۶۰۰ تا ۲ میلیون	
		۶,۴	۴۳,۳	۵۰,۴	بیشتر از ۲ میلیون	
۵۸۸,۳*	۵۰۰	۱۲,۴	۵۶,۸	۳۰,۸	غیرشاغل	
		۳,۴	۲۶,۱	۷۰,۵	شاغل	
۷۴۰,۳*	۵۰۰	۰,۰	۱۰۰,۰	۰,۰	غیرشاغل	
		۱۲,۳	۴۴,۸	۴۳,۰	شاغل	
۶۳۱,۱*	۵۰۰	۱۰,۲	۳۷,۳	۵۲,۵	کم (۷-۱۴)	
		۱۳,۰	۵۷,۲	۲۹,۸	متوسط (۱۵-۲۳)	
		۵,۴	۸۹,۳	۵,۴	زیاد (۲۴-۳۱)	
۵۲۲,۵*	۵۰۰	۲۵,۷	۷۰,۵	۳,۸	کم (۱۰-۲۳)	
		۸,۰	۵۵,۳	۳۶,۷	متوسط (۲۴-۳۶)	
		۴,۶	۲۸,۲	۶۷,۲	زیاد (۳۷-۵۰)	
۸۷۱,۱*	۵۰۰	۱۲,۴	۶۳,۹	۲۳,۷	نداشتن	
		۱۰,۰	۴۵,۰	۴۵,۰	داشتن	

ns غیر معنادار

*معناداری در سطح ۰,۰۱

با افزایش سطح قدرت زنان در خانواده بر سهم آنان به‌عنوان اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت خانوادگی افزوده شده است. حدود ۴ درصد از زنانی که قدرت پایینی در خانواده داشته‌اند اولین فرد پیشنهاد دهنده مهاجرت در خانواده خود بوده‌اند، درحالی‌که این رقم برای زنانی که از سطوح متوسط و بالایی از قدرت برخوردار بوده‌اند به‌ترتیب حدود ۳۷ و ۶۷ درصد به‌دست آمد. در نهایت یافته‌های جدول تقاطعی نشان می‌دهد زنانی که قبل از مهاجرت، با استان تهران

زمینه ارتباطی داشته‌اند یعنی از وجود شبکه مهاجرتی بهره‌مند بوده‌اند در مقایسه با زنانی که فاقد چنین زمینه‌ای بوده‌اند سهم بیشتری در طرح اولیه مهاجرت در خانواده داشته‌اند. ارقام به دست آمده متناظر برای زنان به ترتیب ۴۵ و حدود ۲۴ درصد می‌باشد.

با توجه به این‌که اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده، متغیری اسمی و سه شقی است بنابراین برای آزمون رابطه متغیرهای اصلی تحقیق با این متغیر از تحلیل رگرسیون لجستیک چندوجهی بهره برده شد. با توجه به این‌که در هنگام قرار گرفتن متغیر علت مهاجرت و وضعیت اشتغال در ارتباط با اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده، متغیرهای مذکور در برخی طبقات اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت با نبود نمونه مواجه شد لذا رگرسیون متغیرهای مذکور را از معادله کنار می‌گذارد. برای بررسی رابطه فوق دو مدل آزمون شد. در مدل دوم با کنترل اثر برخی ویژگی‌های پاسخگویان به بررسی تأثیر متغیرهای مستقل بر احتمال وقوع متغیر وابسته پرداخته شد.

جدول ۶ نشان می‌دهد که با افزایش قدرت زنان در خانواده احتمال آن‌که زنان در مقایسه با شوهران، اولین شخص مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده باشند افزایش می‌یابد. با افزایش رضایت زنان از مبدأ مهاجرت، احتمال آن‌که زن در مقایسه با شوهر، اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده باشد کمتر می‌باشد. با افزایش سن زنان احتمال آن‌که شوهر اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده باشد نسبت به احتمال طرح مهاجرت از سوی زنان، کمتر می‌باشد. احتمال طرح مهاجرت خانوادگی از سوی زنان روستایی نسبت به زنان مهاجر شهری در مقایسه با احتمال طرح مهاجرت از سوی شوهر کم‌ترست. زنان با تحصیلات راهنمایی و کمتر در مقایسه با زنان با تحصیلات دانشگاهی از شانس کمتری برخوردارند که برای اولین بار در مقایسه با شوهر خود مطرح‌کننده مهاجرت خانوادگی باشند. با توجه به مدل دوم از بخش دوم جدول ۶، با افزایش رضایت زنان، احتمال طرح مهاجرت خانوادگی از سوی فرزندان در مقایسه با طرح مهاجرت از سوی زنان کمتر می‌شود. با افزایش سن، فاصله سنی با شوهر و دارایی زنان احتمال آنکه مهاجرت خانوادگی برای اولین بار از سوی فرزندان مطرح شود بیشتر از طرح آن از سوی زنان است. در مهاجرت‌هایی که با مبدأ روستا اتفاق می‌افتد احتمال آنکه

فرزندان در مقایسه با زنان، طرح‌کننده مهاجرت در خانواده باشند بیشتر است. سرانجام در خانواده‌هایی که زنان دارای تحصیلات راهنمایی و کمتر یا تحصیلات دیپلم هستند در مقایسه با خانواده‌هایی که زنان تحصیلات دانشگاهی دارند، احتمال طرح مهاجرت از سوی فرزندان بیشتر از زنان است. ضرایب تعیین به‌دست آمده از آن حکایت دارد که مدل اول یعنی بدون ورود متغیرهای کنترلی حدود ۴۲ درصد و در مقابل مدل دوم حدود ۷۳ درصد از احتمال وقوع متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند که این موضوع به اهمیت ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی زن و شوهر اشاره دارد.

جدول ۶. پیش‌بینی احتمال زن بودن اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده

مدل ۲		مدل ۱		اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت**/متغیرها		شوهر (در مقایسه با زن) بعنوان اولین مطرح‌کننده مهاجرت
Exp(B)	Sig.	Exp(B)	Sig.			
۰,۸۴۶	۰,۰۰۰	۰,۸۴۳	۰,۰۰۰	قدرت زن در خانواده		
۱,۲۶۶	۰,۰۰۰	۱,۲۰۳	۰,۰۰۰	رضایت زن از مبدأ		
۰,۵۹۳	۰,۰۸۱	۰,۵۰۵	۰,۰۱۰	بله	داشتن ارتباط با مقصد	
				خیر (مرجع)		
۰,۸۸۹	۰,۰۰۷			سن زن		
۰,۹۲۶	۰,۱۲۰			فاصله سنی با شوهر		
۰,۹۹۹	۰,۹۸۷			مدت ازدواج		
۱,۳۵۴	۰,۰۶۴			تعداد فرزندان		
۱,۰۰۰	۰,۷۸۳			درآمد زن		
۱,۴۳۳	۰,۱۲۱			دارایی‌های زن		
۲,۹۲۴	۰,۰۰۳			روستا	مبدأ	
				شهر (مرجع)		
۱۳,۶۱۰	۰,۰۰۰			راهنمایی و کمتر	سطح تحصیلات زن	
۱,۳۰۵	۰,۴۱۹			متوسطه و دیپلم		
				دانشگاهی (مرجع)		

ادامه جدول ۶. پیش‌بینی احتمال زن بودن اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده

مدل ۲		مدل ۱		اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت**/متغیرها		فرزندان (در مقایسه با زن) بعنوان اولین مطرح‌کننده مهاجرت
Exp(B)	Sig.	Exp(B)	Sig.			
۱,۰۳۲	۰,۶۳۱	۰,۸۲۴	۰,۰۰۰	قدرت زن در خانواده		
۱,۲۴۶	۰,۰۰۰	۱,۱۵۱	۰,۰۰۰	رضایت زن از مبدأ		
۱,۱۸۶	۰,۷۷۹	۰,۵۸۶	۰,۱۴۴	بله	داشتن ارتباطی با مقصد	
				خیر (مرجع)		
۱,۳۳۱	۰,۰۰۱			سن زن		
۱,۴۳۵	۰,۰۰۰			فاصله سنی با شوهر		
۱,۰۰۲	۰,۹۷۳			مدت ازدواج		
۱,۶۴۱	۰,۰۸۸			تعداد فرزندان		
۱,۰۰۰	۰,۲۹۶			درآمد زن		
۳,۲۲۴	۰,۰۰۹			دارایی‌های زن		
۱۸,۰۲۲	۰,۰۰۰			روستا	مبدأ	
				شهر (مرجع)		
۲۰,۱۵۱	۰,۰۳۷			راهنمایی و کمتر	سطح تحصیلات زن	
۱۲,۷۰۱	۰,۰۰۹			متوسطه و دیپلم		
				دانشگاهی (مرجع)		
۴۸۸,۷۶*		۲۲۱,۳۲*		Chi-Square		
۰,۷۳۳		۰,۴۲۱		Nagelkerke		

**زن به عنوان اولین مطرح‌کننده مهاجرت مقوله مرجع می‌باشد. *معناداری در سطح ۰,۰۵

نتیجه‌گیری

وضعیت اجتماعی زنان ایرانی در سال‌های اخیر بهبود داشته است. گسترش فرصت‌های آموزشی و تحصیلی برای زنان در مقایسه با مردان به‌شکلی قابل‌توجه صورت پذیرفته است. در سالیان اخیر شکاف تحصیلی میان دو جنس تا حد زیادی محو و این امر به عنصر مهمی در تعریف مجدد جایگاه و نقش زنان در خانواده و حتی در کل جامعه بدل شده است. امروزه تعداد زنان حاضر در سطوح تحصیلی دانشگاهی از تعداد مردان پیشی گرفته است. گرچه بهبودهای فوق

برای مردان نیز اتفاق افتاده است اما شدت و قدرت بیشتر آن برای زنان به کمتر شدن شکاف جنسیتی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردان و زنان انجامیده است. موقعیت زنان در زمینه‌های آموزش، بهداشت و تصمیم‌گیری در خانواده در قیاس با مردان روند بهتری را طی نموده است.

بر خلاف شواهد فوق که می‌تواند از بهبود وضعیت زنان در خانواده و به دنبال آن افزایش قدرت زنان در تصمیم‌گیری‌های خانواده حکایت داشته باشد، اکثر مطالعات مهاجرت در بررسی‌های خود بر نقش مردان تأکید نموده‌اند و زنان را مهاجر تبعی به‌شمار آورده و در برخی موارد با این فرض که زنان به تبعیت از همسران خود مهاجرت می‌کنند، از جامعه آماری تحقیق کنار گذاشته شده‌اند.

کم‌توجهی به موقعیت و نقش زنان در ادبیات مهاجرت در ایران تا حدی ریشه در نقشی دارد که زنان در فرهنگ سنتی ایرانیان بازی می‌کنند. در ایران مانند بسیاری از جوامع دیگر، تفکیک جنسیتی نقش‌های اجتماعی به‌منظور حفظ سازمان اجتماعی خانواده و جامعه دیده شده است. بخشی دیگر از علت نامرئی بودن این قضیه به تفسیر قانون خانواده در ایران بر می‌گردد که حتی مربوط به دوره پهلوی نیز می‌باشد. براساس قانون اساسی مردان رئیس و نان‌آور اصلی خانواده می‌باشند. در نتیجه این عوامل فرهنگی و قانونی، زنان غالباً از نظر اقتصادی غیرفعال نگریسته می‌شوند و از این‌روی از گزارش‌های آمار رسمی حذف گردیده‌اند. در پژوهش حاضر از روش پیمایش استفاده شد. جمعیت مورد بررسی، تمامی زنان مهاجر دارای همسری است که از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ وارد استان تهران شده بودند. واحد تحلیل در پژوهش پیش‌رو فرد و برای نمونه‌گیری از چارچوب سرشماری ۱۳۹۰ استفاده شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای نمونه مورد نظر در مناطق ۴ و ۵ شهر تهران و نیز شهر ملارد محقق گردید.

نتایج نشان داد که افزایش قدرت زنان در خانواده احتمال آن‌که زنان در مقایسه با شوهران، اولین شخص مطرح‌کننده مهاجرت در خانواده باشند را افزایش می‌دهد. با افزایش رضایت زنان از مبدأ مهاجرت، احتمال آن‌که زن در مقایسه با شوهر، اولین فرد مطرح‌کننده مهاجرت در

خانواده باشد کمتر می‌باشد. احتمال طرح مهاجرت خانوادگی از سوی زنان روستایی نسبت به زنان مهاجر شهری در مقایسه با احتمال طرح مهاجرت از سوی شوهر کمترست. زنان با تحصیلات راهنمایی و کمتر در مقایسه با زنان با تحصیلات دانشگاهی از شانس کمتری برخوردارند که برای اولین بار در مقایسه با شوهر خود مطرح‌کننده مهاجرت خانوادگی باشند. تحلیل داده‌ها نشان داد که زنان در ۱۹ درصد مهاجرت‌ها تصمیم‌گیرنده اصلی و در حدود ۵۰ درصد نیز در مشارکت با سایر اعضای خانواده به تصمیم‌گیری برای مهاجرت مبادرت نموده‌اند. در حدود ۳۱ درصد مهاجرت‌ها نیز زنان هیچگونه مشارکتی نداشته و منفعل بوده‌اند. مقایسه دو رقم به دست آمده یعنی ۱۹ در مقابل ۳۱ درصد حکایت از آن دارد که نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت خانوادگی قابل چشم‌پوشی نیست. قدرت زن در خانواده بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت زنان در فرآیند مهاجرت خانوادگی دارد. در برخی پژوهش‌های قبلی (کانا-ایوبونی ۱۹۹۵؛ پیتین ۱۹۸۴) اهمیت دسترسی به قدرت در تصمیم‌گیری مهاجرت نشان داده شده است. عدم نقش‌آفرینی زنان در جریان مهاجرت خانوادگی به دلیل فقدان قدرت در خانواده نیز در مطالعاتی دیگر (لای ۲۰۰۱) به تأیید رسیده است. تأثیر معنادار داشتن زمینه ارتباطی با مقصد بر میزان مشارکت در فرآیند مهاجرت و نیز افزایش احتمال مهاجرت در صورت داشتن چنین ارتباطاتی در برخی مطالعات پیشین (لیندسترم^۱ ۱۹۹۷؛ نتو و میولت^۲ ۱۹۹۸؛ میونشی^۳ ۲۰۰۳؛ مک‌گرگور^۴ ۲۰۰۶؛ هیلر و مک‌کیگ، ۲۰۰۷) نشان داده شده است. مطالعات پیشین (ولایتی ۲۰۰۳؛ چاتوپادهای^۵ ۲۰۰۰؛ بویل و همکاران^۶ ۲۰۰۹؛ کوک و همکاران^۷ ۲۰۰۹؛ بنوای^۸ ۲۰۰۶: ۳) به روشنی مؤید این مطلب بودند که مهاجرت پیامدهای مثبتی برای زنان دارد و بر پایه نظریه فمینیسم، آن‌ها می‌توانند برخی از حقوق خود را که در مبدأ و به دلایل متعددی از آن محروم مانده‌اند تحقق بخشند.

1 Lindstrom

2 Neto and Mullet

3 Munshi

4 McGregor

5 Chattopadhyay

6 Boyle

7 Cooke

8 Benway

نتایج این پژوهش گویای آن است که با روند بهبود وضعیت زنان یا به دیگر سخن، افزایش قدرت زنان در خانواده، احتمال افزایش تداوم روند مهاجرت‌ها به استان تهران دور از انتظار نخواهد بود لذا تلاش در راستای بر طرف نمودن محدودیت‌ها و عوامل دافعه در استان‌های مهاجرفرست می‌تواند از حجم جریان مهاجرت‌ها به پایتخت بکاهد. بنابراین لازم است که تدابیری در این خصوص توسط واحدها و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اندیشیده شود و سیاست‌گذاران هر چه بیشتر به تدوین، تصویب و اجرای برنامه‌های علمی به‌منظور مواجهه با مسئله فوق بپردازند.

منابع

- اسماعیلی، نصیبه (۱۳۸۸). بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، گروه جمعیت‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- پورتال شهرداری منطقه ۵ تهران (۱۳۹۵). سایت شهرداری منطقه ۵، شهر تهران، تهران، ایران.
- راغفر، حسین و علی قاسمی‌اردهایی (۱۳۸۸). علل مهاجرت و ویژگی‌های جمعیتی-اقتصادی مهاجران بین شهرستانی: بررسی تطبیقی مهاجران شهر به روستا و روستا به شهر ایران طی دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال چهارم، شماره ۸، صص ۳۹-۶۱.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰) *مهاجرت*، تهران: سمت.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
- نایی، هوشنگ و میمنت گلشنی (۱۳۹۲). تأثیر منابع در دسترس زنان بر قدرت تصمیم‌گیری در خانواده: مطالعه تجربی شهر بابل، *نشریه زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۵۲.
- Assar H (1993). Family migration in Iran: The role of women and kinship ties, 1976-1986, PhD thesis Department of Economics, Southern Illinois University at Carbondale.
- Bell, M., Charles-Edwards, E., Kupiszewska, D., Kupiszewskai, M., Stillwell, J and Zhu, Y (2014). International migration data around the world: Assessing contemporary practice, *Population, Space and Place*, 21: 1-33.
- Benway, G.L (2006). Gender migration: Dominican women and men negotiate work and family in province Rhode Island, PhD dissertation, Department of Sociology, Brown University.

- Boyle, J., Cooke, T.J., Gayle, V., and Mulder, C.H (2009). The effect of family migration on union dissolution in Britain, In: Stalford, H., Currie, S and Velluti, S (Ed.), *Gender and migration in 21st century Europe*, England: Ashgate Publishing Company.
- Buchanan Stafford S.H (1984). Haitian immigrant women: A cultural perspective, *Anthropologica New Series*, 26(2): 171-189.
- Chattopadhyay, A (2000). Gender differences in socioeconomic returns to family migration in Malaysia: The role of family decision making versus labor market stratification, *Gender Issues*, 18 (2): 29-47.
- Cooke, T.J., Boyle, P., Couch, K., and Feijten, P (2009). A longitudinal analysis of family migration and the gender gap in earnings in the United States and Great Britain, *Demography*, 46: 147-167.
- Cote, R.R., Jensen, J.E., Roth, L.M., and Way, S.M (2015). The effect of gendered social capital on U.S. migration: A comparison of four Latin American countries, *Demography*, 52: 989-1015.
- Curran, S. R., and A. C. Saguy (2001), Migration and Cultural Change: A Role for Gender and Social Networks? *Journal of International Women's Studies*, 2(3): 54-77.
- Curran, S.R., Shafer, S., Donato, K.M. and Garip, F (2006). Mapping Gender and Migration in Sociological Scholarship: Is It Segregation or Integration? *International Migration Review* 40(1): 199-223.
- DaVanzo, J (1981). Microeconomic approaches to studying migration decisions, in: De Jong, G.F., and Gardner, R.W, "*Migration Decision Making: Multidisciplinary Approaches to Micro Level Studies in Developed and Developing Countries*", New York: Pergamon Press.
- Fields, G.S (1982). Place-to-place migration in Colombia, *Economic Development and Cultural Change*, 30 (3): 539-558.
- Georg, S.M (2005). *When women come first: Gender and class in transnational migration*, Berkeley and Los Angeles, California: University of California Press.
- Harris, J. R., and M. P. Todaro (1970) "Migration, Unemployment, and Development: A Two Sector Analysis." *American Economic Review*, 60: 126-142.
- Hiller H and McCaig K (2007). Reassessing the role of partnered women in migration decision-making and migration outcomes, *Journal of Social and Personal Relationships*, 24(3): 457-472.
- Jacka, T (2006). *Rural women in urban China: Gender, migration, and social change*, New York: M.E. Sharpe Publication.
- Kanaiaupuni, S.M (1995). The role of women in the social process of migration: Household organizational strategies of Mexican families, PhD dissertation, Faculty of the Division of the social sciences, Department of Sociology, Chicago University.
- Kofman, E., Phizacklea, A., Raghuram, P., and Sales, R (2000). *Gender and international migration in Europe*, 1nd edn, London: Routledge Press.
- Li, C.H (2001). Family and internal migration in Taiwan, PhD dissertation, Department of Sociology and Urban Affairs Program, Michigan State University
- Lindstrom, D.P. (1997) The Impact of Temporary U.S. Migration on Fertility of Female Migrants: The Case of Temporary Migration in a Rural Mexican Township. Working Paper, Brown University.
- Liu Y (2011). An examination of married women's migration experiences in South China's garment industry, PhD Dissertation in Sociology, York University.

- Massey, D.S., Arango, J., Hugo, G., Kouaouci A., Pellegrino, A and Taylor, J.E (1993). Theories of international migration: A review and appraisal, *Population and Development Review*, 19(3): 431-466.
- McCatty, M (2004). The process of rural-urban migration in developing countries, Ottawa, Ontario
- McDowell, L (2013). *Gender, migration and employment in Britain, 1945-2007*, New Jersey: Wiley-Blackwell Publication.
- McGregor, J (2006). Professional relocating: Zimbabwean nurses and teachers negotiating work and family in Britain, Geographical Paper, No. 178, Reading: University of Reading.
- Munshi, K (2003). Networks in the Modern Economy: Mexican Migrants in the U.S. Labor Market, *Quarterly Journal of Economics*, 118 (2): 549-599.
- Neto, F., and Mullet, E (1998). Decision-making as regards migration: Wage differential, job opportunity, and the network effect, *Acta Psychologica*, 98 (1): 57-66.
- Nobles J and McKelvey C (2015). Gender, power and migration from Mexico, *Demography*, 52: 1573-1600.
- Ortiz, V (1996). Migration and marriage among Puerto Rican women, *International Migration Review*, 30(2): 460-484.
- Parrado E. Flippen C and McQuiston C (2005). Migration and relationship power among Mexican women, *Demography*, 42(2): 347-372.
- Pedraza S (1991). Women and migration: The social consequences of gender, *Annual Review of Sociology*, 17: 303-325.
- Pittin, R (1984). Migration of women in Nigeria: The Hausa case, *The International Migration Review*, 18 (4): 1293-1314.
- Ranis, G., and Fei, J.C.H (1961). A Theory of Economic Development, *The American Economy Review*, 51 (4): 533-565.
- Rowland D. (2003). *Demographic Methods and Concepts*, Oxford University Press.
- Sharpe, P (2001). Gender and the experience of migration, In: Sharpe, P, *Women, gender and labour migration: Historical and global perspective*, London: Rutledge Press.
- Sjaastad, L.A. (1962) "The Costs and Returns of Human Migration." *The Journal of Political Economy*, 70(5): 80-93.
- Stark, O (1991). *The Migration of Labor*. Oxford, Blackwell.
- Sudarkasa, N (1977). Women and migration in contemporary west Africa, *Sings*, 3 (1): 178-189.
- Todaro, M. P. (1969) A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries, *American Economic Review*, 59: 138-148.
- Todaro, P.M. (1971). Income Expectations, Rural-Urban Migration and Employment in Africa, *International Labor Review*, 104 (5): 12-24.
- Uteng, T.P (2011). Gender and migration in developing world, Background Paper, World Development Report, World Bank.
- Velayati, M (2003). Female rural-urban migration of Azari women in Iran: The case study of Tabriz, PhD Dissertation in Department of Politics, University of York.